



## تحقیق و تاریخ: قادریه در مصر

پدیدآورده (ها) : قنبری، صباح  
میان رشته ای :: کیهان فرهنگی :: خرداد و تیر 1389 - شماره 284 و 285  
از 80 تا 81  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/791084>

{{DownloaderKey}} : {{DownloaderValue}}

تاریخ دانلود : 23/02/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





# قادریه در مصر

صبح قنبری

قادریه یکی از طریقه‌های صوفیانه در میان اهل

تسنن و منتسب به شیخ عبدالقادر گیلانی

(۵۶۱-۴۷۰هـ) است. برای پیدایش این

طریقه، تاریخ خاصی نمی‌توان مشخص

نمود، چرا که شکل‌گیری آن از اواخر قرن

ششم تا اوایل قرن دهم ادامه داشته و ارتباط

این طریقه با موسس آن، چندان روشن نیست.

قادری هادر جغرافیای گسترده‌ای شامل: هند،

افغانستان، کردستان - مناطق کردنشین

خاورمیانه - آفریقا، چین، عراق، مصر،

آسیای میانه و... پراکنده‌اند. آنها خود را

بایبند شریعت می‌دانند و

از نظر مذهبی اهل سنت محسوب می‌شوند.

طریقه قادریه در سده نهم هجری در مصر و شام

به اوج خود رسید و در قرن‌های دهم و یازدهم

اوجش را در شبه قاره هند و سپس در سده‌های

۱۲ و ۱۳ و نیمه اول سده ۱۴، علاوه بر هند،

در کردستان و آفریقا می‌بینیم.

ادامه طریقه قادریه تا امروز و تأثیرگذاری در

جوامعی که حضور داشته‌اند و نیز عدم کتابی

جامع به زبان فارسی، این طریقه را شایسته

تحقیق و بررسی می‌کند.

در جستاری که پیش رو دارید، نویسنده،

تاریخچه ورود و گسترش مشاهیر و شاخه‌های

قادریه در مصر و آداب و باورهای این طریقه را

به اجمال شرح داده است.

زمانی که شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد جلسات پر شور خود را برگزار می‌کرد، آوازه اش به سرزمین مصر رسید. در میان شاگردان و محبان شیخ، عده‌ای مصری به چشم می‌خورند. در «بهجة الاسرار» آمده است که تنها در یکی از جلسات او، بیست نفر از بزرگان مصر حاضر بودند.<sup>(۱)</sup>

از جمله این مشایخ می‌توان به شیخ القدوه العلامه ابی عمرو عثمان بن مرزوق و شیخ العارف ابامحمد شاور بستی محلی اشاره کرد.

در میان طرفداران شیخ در مصر افرادی از چهار مذهب اهل سنت، حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی دیده می‌شوند که این خود به نوعی نشان از تساهل مذهبی شیخ دارد. صاحب «قلائد الجواهر» به فتوای او بر دو مذهب شافعی و حنبلی اشاره دارد.<sup>(۲)</sup>

به نظر می‌رسد تصویری که امروزه بیشتر شیخ را فقط به عنوان یک صوفی نشان می‌دهد درست نباشد. همان طوری که دکتر عبدالرزاق معتقد است عبدالقادر قبل از این که صوفی باشد، فقیه است.<sup>(۳)</sup> در میان طرفداران برجسته او در مصر، علاوه بر صوفی و حتی بیشتر از آن فقیه، محدث و ادیب به چشم می‌خورد. عده‌ای از طرفداران شیخ در مصر، مثل شیخ ابن المجید مبارک و علی بن ازدر، اصالتی بغدادی دارند. در این جا به برخی از هواداران و وابستگان شیخ عبدالقادر در مصر اشاره می‌کنیم:

۱- ابو محمد عمران بن علی ۲- ضیاء الدین

ابوالبقاء ۳- ابو محمد عبدالله ۴- ابو احمد عبدالملک

۵- ابوالمحاسن یوسف بن ایاس ۶- ابو عبدالله

محمد بن ابی حسن ۷- ابو محمد عبدالسلام ۸- ابی

مجد المبارک بن یوسف ۹- ابوالمحاسن بن یوسف

۱۰- محمد بن عبدالرحمن ۱۱- ابوالحسن علی بن

از دمر ۱۲- ابوالمعالی صالح بن یوسف.

هر یک از این افراد و دهها شخص دیگر که یاد تاریخ نامی از آنها نیامده و یا بر مؤلف ناپیدا مانده، در همان زمان و عصر شیخ عبدالقادر به ترویج مرام و مسلک او در سرزمین مصر پرداختند.

به نظر می‌رسد که حضور آنها در مصر در ترویج و رشد قادریه موثر واقع شده باشد و این حضور موثر را می‌توان در لابلا اخبار مربوط به عبدالقادر به دست آورد چرا که راوی اکثر اخبار مربوطه، این اشخاص هستند.

در «بهجة الاسرار» آمده است که شیخ ابومحمد عبدالرحیم معزی از مشایخ مصر و از یاران شیخ عبدالقادر در تربیت مریدان صادق کوشا بود.<sup>(۴)</sup>

«مرگلیوث» به استناد «بهجة الاسرار» یکی از معروفترین مروجان قادریه در مصر، محمد بن عبدالصمد راکسی می‌داند که قادریه را در قرن هفتم هجری به مصر برده است.<sup>(۵)</sup>

در نتیجه فعالیت‌های تبلیغی، مصر محیطی مناسب برای رشد قادریه شد. زمانی که چند دهه بعد از مرگ شیخ عبدالقادر یعنی در زمان حمله مغول و سقوط بغداد، عده‌ای از خاندان شیخ راهی مصر شدند بازار این طریقت در مصر بسیار گرم شد.

علی بن حسین بن محمد اکحل بن شریق معروف به علی القادری و علاء الدین بغدادی و ملقب به قاضی الفقیه، اولین کسی است که از خاندان شیخ عبدالقادر به مصر رفت. آرامگاه برخی از احفاد شیخ از جمله محمد بن علی (متوفی ۸۴۰هـ) موسی بن محمد بن علی (متوفی ۸۴۱هـ) و زین الدین محمد بن موسی (متوفی ۸۵۵هـ) که در زمان خودش شیخ طایفه قادریه بوده، در دارالغرافه مصر است.

در نیمه اول قرن دهم هجری، زمانی که عبدالقادر بن محمد گیلانی (متوفی ۹۲۳ هـ) از اولاد شیخ در مصر سکونت اختیار می‌کند مورد توجه و احترام فراوان قرار می‌گیرد. و این نشان از گسترش قدریه در مصر تا این زمان را دارد.

زاویه ای در سال ۶۳۱ هـ در نزدیکی قاهره، وابسته به هواداران شیخ عبدالقادر رونق داشته و همچنین زاویه قدریه در قاهره در اوایل قرن دهم معروف بوده است. (۷)

شاخه‌های قدریه در مصر:

چهار شاخه اصلی قدریه در مصر فارسیه، قاسمیه، شرعیه و نیازیه است.

«تریمنگام فارسیه» را اولین شاخه قدریه در مصر می‌داند که از قرن هفتم هجری در آنجا تشکیل شده است (۸). مقر این شاخه «جامع الساده القادریه» در غرافه کوچک و در شهر قاهره قرار دارد.

اصول قدریه فارسیه با این مسجد که در قرن هفتم ساخته شده، ارتباط استواری دارد. (۹)

لقب فارض از نام یکی از مشایخ متأخر قدریه آنجا به نام شیخ محمد الفارسی (متوفی ۱۲۸۵ هـ) از اعیان شیخ عبدالقادر گرفته شده است.

مؤسس دومین شاخه قدریه در مصر، قاسم بن محمد کبیر است. (۱۰) این شاخه از مهمترین طرق صوفیه در مصر است که در قرن نهم هجری وارد مصر شده است.

سلسله مشایخ قاسمیه از طریق شیخ عیسی به عبدالقادر گیلانی می‌رسد. این طریقه درباره چگونگی ورود قدریه به مصر، افسانه‌ای ساخته‌اند. در این افسانه، زنی برای معالجه به خدمت شیخ عبدالقادر می‌رود. عیسی فرزند شیخ بوسیله اناری او را شفا می‌دهد و این گونه عیسی ملقب به ابورمانه و آن زن مروج قدریه در مصر می‌شود. (۱۱)

مرکز آنها در فیوم است و شیخ محمد عبدالنواب الفزاری از مشایخ بزرگ آنها است.

مرکز قدریه شرعیه نیز در مسجد امام شعرانی است. آنها به ذکر و نماز نوافل اهتمام دارند و شیخ عبدالمنعم بن عبدالبنی بجلی القادری المالکی از مشایخ بزرگ آنها است. اما شاخه نیازیه نیز از طریق عبدالرزاق به عبدالقادر گیلانی می‌رسند. آنها از ترکیه به مصر آمدند و بعضی از شیوخ آنها در نیمه دوم قرن دهم هجری در اسکندریه ساکن شدند. ابراهیم حلی القادری و محمد فرزند او از بزرگان این شاخه هستند.

آداب و باورها

شیخ، مرشد روحی، سالک حق و شناساننده مهلکه‌ها به مرید است و تربیت شاگردان را به عهده دارد. پیامبر به عنوان انسان کامل الگوی شیخ است. و هر شیخ باید از شیخ سابق اخذ طریقت کند و به این گونه، سلسله طریقتی آنها به پیامبر (ص) می‌رسد.

## □ مرکز قدریه شرعیه نیز در مسجد امام شعرانی است. آنها به ذکر و نماز نوافل اهتمام دارند و شیخ عبدالمنعم بن عبدالبنی بجلی القادری المالکی از مشایخ بزرگ آنها است. اما شاخه نیازیه نیز از طریق عبدالرزاق به عبدالقادر گیلانی می‌رسند. آنها از ترکیه به مصر آمدند و بعضی از شیوخ آنها در نیمه دوم قرن دهم هجری در اسکندریه ساکن شدند.



مرکز تحقیقات کابور علوم اسلامی

زیدان درباره رابطه شیخ و مرید می‌نویسد: «و تشتمل هذه الرابطة على علاقات ثلاث بها تكتمل أركانها: الأولى علاقة المرید بغيره من مریدی شیخه (آداب الاخوان)». (۱۲)

شیخ عبدالقادر، اساس طریقتش را بر هفت ستون بنیان نهاد: مجاهده، توکل، حسن الخلق، شکر، صبر، رضا، هدف؛ و از مریدان و شاگردان می‌خواست که آنها را رعایت کنند. این اصول در مصر مورد توجه شاگردان بود.

دکتر عبدالرزاق در کتاب خود به نام «شیخ عبدالقادر گیلانی» به طور مفصل این اصول را مورد بررسی قرار داده است. کسی که علاقمند ورود به این طریقه است باید در مقابل شیخ بنشیند و توبه کند و ذکرهایی که شیخ می‌گوید را تکرار کند و باید در انجام فرایض و نوافل مداومت داشته باشد.

طریقت قدریه اصرار دارد تا نشان دهد که شرع را به حقیقت برتری داده و از کتاب و سنت خارج نشده است. مقر شاخه فارسیه و شرعیه، مسجد است و این نشان از پیوستگی آنها با مساجد دارد.

علاوه بر این که، پیرو قدریه بخشی از اوقات روزانه خود را صرف انجام اذکار، اوراد و مناسک طریقتی می‌کند، ملزم است که هر شب جمعه و در آغاز هر سال قمری در مسجد حاضر شود و به ذکر

دسته جمعی پیردازد. دو شاخه «فارسیه» و «شرعیه» پیروان خود را ملزم به اجرای فرایض و نوافل و مداومت در آنها می‌کنند.

از ویژگی‌های ظاهری قدریه در مصر، عمامه‌های سفید و سرخ است.

### پی‌نوشت

- ۱- بهجة الاسرار، صص ۲۲ و ۳۲.
- ۲- قلاند الجواهر، ص ۳۸.
- ۳- عبدالرزاق، ص ۲۱۷.
- ۴- بهجة الاسرار، ص ۴۱۷.
- ۵- مرگلیوث، ص ۳۸۱.
- ۶- الكواكب سائره، ج ۱، ص ۲۵۱.
- ۷- بهجة الاسرار، ص ۱۱.
- ۸- تریمنگام، ص ۲۷۰.
- ۹- زیدان، ص ۱۸۶.
- ۱۰- فاروق احمد مصطفی، ص ۸۲.
- ۱۱- زیدان، ص ۱۹۸.
- ۱۲- همان، ص ۴۹.

### منابع

- ۱- تادفی حنبلی، محمد بن عیسی؛ قلاند الجواهر؛ بغداد، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۶ هـ.
- ۲- زیدان، یوسف محمدطه، الطریق الصوفی و فروع القادریه به مصر، بیروت، دار الجیل، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ هـ/ ۱۹۹۱ م.
- ۳- شطنوفی، نورالدین علی بن یوسف، بهجة الاسرار و معدن الانوار فی بعض مناقب قطب الربانی، بی‌جا: المكتبة الازهریه للتراث، ۱۴۲۱ هـ.
- ۴- الغزی، نجم الدین، الكوكب و السائره با اعیان المئه العاشره، حقه و ضبط نضبه، الذکور جبرائیل سلیمان جبور، لبنان، مطبعة المرسلین، ۱۹۴۹ م.
- ۵- فاروق احمد مصطفی، البناء الاجتماعی للطریقه الشاذلیه فی مصر، السکندریه، [بی‌نام]، ۱۹۸۰ م.
- ۶- گیلانی، عبدالرزاق؛ الشیخ عبدالقادر الجیلانی؛ دمشق، دار القلم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ/ ۱۹۹۴ م.

7- t.s Trimmingham, the sufiorides in islam (Oxford university preas London, oxford, New York 1990.

8- Margoliouth (D.S), Art.

(KA DiRY yA)in, The encyclopedia of islam.